

بررسی انگیزش تحصیلی دانش آموزان

صابر شفیعی^۱، مسعود کرمی^۲

^۱ نویسنده مسئول، آموزگار ابتدایی استان ایلام، کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی

^۲ آموزگار ابتدایی استان ایلام، شهرستان ملکشاهی، کارشناسی علوم تربیتی

چکیده

مقاله حاضر از نوع مروری- کتابخانه ای است که با توجه به مطالعات کتابخانه ای و جمع آوری نظرات دانشمندان گردآوری شده است. هدف از نگارش این مقاله بررسی انگیزش تحصیلی دانش آموزان است که با استفاده از مطالعات کتابخانه ای عوامل موثر بر آن نیز شناسایی می شود. نتیجه این مقاله نشان می دهد که یکی از فاکتورهای مهم در حوزه تحصیلی، انگیزش تحصیلی است که اگر معلمان بتوانند این انگیزش را در دانش آموز به وجود آورند، راه را برای پیشرفت تحصیلی هموار ساخته اند.

واژه های کلیدی: انگیزش تحصیلی، عملکرد تحصیلی، دانش آموزان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از آنجایی که دانش آموزان به عنوان رکن اساسی نظام آموزشی کشور، در دستیابی به اهداف نظام آموزشی نقش و جایگاه ویژه ای دارند، توجه به این قشر از جامعه از لحاظ آموزشی و تربیتی، باروری و شکوفایی هر چه بیشتر نظام آموزشی و تربیتی جامعه را موجب می گردد. با این وجود از کل دانش آموزانی که وارد سیستم آموزش و پرورش میشوند، تعداد کمی از آنها می توانند استعدادهای خود را شکوفا کنند و در این عرصه موفق گردند و به اصطلاح عملکرد تحصیلی خوبی از خود نشان دهند (میکائیلی، افروز و قلی زاده، ۱۳۹۰).

انگیزش یکی از متغیرهای اصلی است که بر فرایند آموزش، بازده یادگیری و عملکرد دانش آموز تأثیر می گذارد. روانشناسان پژوهشی به این نتیجه رسیده اند که مجموعه ای از عوامل، متغیرها یا سازه های درونی و بیرونی در انگیزش دانش آموزان به یادگیری و مشارکت فعال او در فرایند آموزش دخیل هستند. از غریزه، سابق، نیاز و شوق گرفته تا علاقه، کنجکاوی، سبک اسناد، توانمندی، انتظار، تلاش برای پیشرفت و فشار والدین، فشارهای همسالان، همه میتوانند در تعاملی پیچیده بر نظام انگیزش دانش آموزان تأثیر گذاشته و رفتار آموزشی و یادگیری و پیشرفت او را شکل دهند (والبرگ، ۱۹۸۷، به نقل از اکبری، ۱۳۸۶).

انگیزش به دو قسمت درونی و بیرونی تقسیم میشود که هر کدام از این نوع انگیزه ها از متغیرها و موقعیت های گوناگون تأثیر می پذیرد (عباس زاده، علیزاده اقدم و کوهی، ۱۳۸۷). عوامل موثر بر انگیزش تحصیلی را می توان در دو طبقه کلی جای داد. یکی عوامل فردی و دیگری عوامل محیطی است که در برگیرنده محیط خانواده، مدرسه و اجتماع میباشد (طاهری و فیاضی، ۱۳۹۰).

بیان مسئله

انگیزش علت و عامل اصلی رفتار است، چه آن را شرایط موجود در محیط ایجاد کرده باشد، چه از تظاهرات رفتاری، فیزیولوژیکی و گزارش شخصی استنباط شده باشد، انگیزش را می توان به عنوان عامل نیرودهنده و هدایت کننده رفتار تعریف کرد. به زبان ساده، انگیزش عاملی است که شخص را به پیش رفتن واداشته و تعیین میکند که به کجا برود. بدین ترتیب، مولد رفتار، تعیین کننده نیرو و هدف رفتار است. مطالعات در روان شناسی تربیتی و یادگیری نشان می دهد که انگیزش با یادگیری آموزشگاهی ارتباط دارد. زیرا یادگیری فرآیند فعالی است که مستلزم کوشش عمدی و آگاهانه است. اگر دانش آموزی که توانایی بالایی دارد، هنگام مطالعه و یادگیری، توجه و تمرکز کافی نداشته باشد یا کوشش مؤثری از خود نشان ندهد، قادر به یادگیری نخواهد بود. برای این که دانش آموز بتواند از برنامه درسی حداکثر بهره را ببرد باید در کلاس، زمینه ای فراهم شود که در آن فراگیر به شرکت و درگیری در فعالیت های یادگیری برانگیخته شود (دیره و بنی جمالی، ۲۰۰۹، به نقل از قندالی و همکاران، ۱۳۹۳).

اهمیت و ضرورت تحقیق

بررسی انگیزه پیشرفت از جنبه های گوناگون اهمیت دارد. در پیش بینی پیشرفت تحصیلی، برخی از روانشناسان بررسی متغیرهایی همچون انگیزه پیشرفت را از جهاتی مهم تر از هوش و استعداد می دانند؛ زیرا هوش از سازه های ثابت و نسبتاً دگرگونی ناپذیر است، اما انگیزه پیشرفت را می توان با چاره اندیشی هایی دگرگون ساخت. بررسی های فراوانی که در نیم

سده ی گذشته انجام شده است، نشان می دهد که انگیزه پیشرفت با پیشرفت های شغلی، رضایت از زندگی، خلاقیت و پایداری شخصیتی همبستگی دارد. افزون بر این، رشد صنعتی، اقتصادی و علمی جامعه با سطح انگیزه پیشرفت در اعضای آن جامعه رابطه ای مستقیم دارد (مک کلند، ۱۹۸۷، به نقل از حیدر ملک، ۱۳۹۰).

انگیزه و اهمیت مطالعه آن

امروزه انگیزه از مفاهیم رایج در آموزش و پرورش به حساب می آید و در تبیین و استدلال برای بسیاری از مسائلی که در حیطه آموزش و یادگیری مطرح می شود، انگیزه نقش مهمی دارد. متأسفانه غالب تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته است، نشان می دهد یادگیرندگان ایرانی با مسأله مهم کاهش انگیزه برای تحصیل و پیشرفت روبرو هستند (صالحی و همکاران، ۱۳۸۹).

اصطلاح انگیزه از فعل لاتین آن " mover " به معنی حرکت دادن مشتق شده است. انگیزه، چیزی است که ما را به جنبش و حرکت وادار می کند تا تکالیف خود را کامل کنیم. انگیزه، یک فرایند است نه یک فراورده. ما نمی توانیم انگیزه را مستقیماً مشاهده کنیم، اما می توانیم آن را از رفتارهایی مانند انتخاب تکالیف، تلاش، استقامت و گفتار، استنباط کنیم (رفیعی، ۱۳۹۱).

بحث از انگیزه، در واقع، بحث از تعلیل یا علت یابی رفتار آدمی است. بحث از اینکه چرا مردم متفاوت عمل می کنند؟ و حتی چرا شخص واحد، متفاوت عمل می کند؟ از نظر عموم مردم، تنها مسأله درباره انگیزه، مقدار آن است و بنابراین، انگیزه به عنوان یک ساختار واحد، از مقدار صفر تا کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد نوسان دارد. در مقابل، شماری از نظریه پردازان انگیزه معتقدند که انگیزه انواع مختلفی دارد؛ برای مثال، انگیزه درونی با انگیزه بیرونی تفاوت دارد. انگیزه یادگرفتن با انگیزه عمل کردن یکی نیست و انگیزه گرایش به موقعیت با انگیزه اجتناب از شکست تفاوت دارد (رفیعی، ۱۳۹۱).

یکی از انگیزه هایی که اخیراً بدان توجه زیادی شده است، انگیزه پیشرفت است. میل یا نیاز به تسلط و برتر شدن، میل به کسب موقعیت و تسلط. نیاز به پیشرفت، میل به انجام دادن خوب کارها متناسب با معیار برتری است. انگیزه پیشرفت، لزوماً چیزی مانند تکاپو برای دستیابی به موقعیت های قابل مشاهده، مانند کسب نمرات در آزمون نیست. اگرچه انگیزه پیشرفت، دربرگیرنده طراحی و برنامه ریزی تلاش ها برای رسیدن به برتری است، اما این نگرش نسبت به پیشرفت است که دارای اهمیت است نه موفقیت به خودی خود. بنابراین ممکن است انگیزه پیشرفت فعالیت های بسیار گوناگونی را در بر بگیرد و در زمینه های مختلف پدیدار شود. انگیزه پیشرفت جزء انگیزه های اجتماعی به حساب می آید، زیرا با محرکات اجتماعی ارتباط دارد و زمانی معنی پیدا می کند که فرد و رفتارهای او را در اجتماعی که در آن زندگی می کند، مورد بررسی قرار دهیم (رفیعی، ۱۳۹۱).

انگیزه پیشرفت

انگیزش پیشرفت بر تحقیقات اولیه هوپ ، سیرز ، مک کلند و اتکینسون استوار است (گلاور و برونینگ، ۱۳۸۳). مور و همکاران (۲۰۱۰)، درباره تاریخچه انگیزه پیشرفت می نویسند: اولین بار مورای در سال ۱۹۴۰، مفهوم نیاز به پیشرفت را به عنوان تلاش برای موفقیت در هر موقعیتی، به نحوی که عملکرد آن بتواند طبق برخی معیارهای عالی بودن ارزیابی گردد، تعریف کرد. در ۱۹۸۵، مک کلند در نتیجه پژوهش هایش توضیح داد که انگیزه های انسان به انگیزه آنان

برای پیشرفت، وابستگی و قدرت تقسیم می شود. در سال های بعد انگیزه اجتماعی بودن را نیز به این مجموعه افزود(سیف، ۱۳۸۶).

اتکینسون در سال ۱۹۶۴، مفهوم انگیزش برای پیشرفت مک کلند را گسترش داد. اتکینسون بر این باور بود که تفاوت رشد نیاز به پیشرفت در افراد مختلف را می توان با فرض یک نیاز مخالف یعنی پرهیز از شکست توضیح داد. به نظر او بعضی از مردم موفقیت مدارند، ولی برخی دیگر از شکست دچار اضطراب زیاد می شوند. اتکینسون معتقد است که تمایل به کسب موفقیت، از احتمال موفقیت و جاذبه رسیدن به آن متأثر می شود (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷). انگیزه پیشرفت در منابع مختلف تعاریف گوناگون و در عین حال مشابهی دارد. گوناگونی این تعاریف، در نقطه نظرات نویسندگان و نظریه پردازان و شباهت آنها از آنجاست که محور همه این تعاریف همان مفهوم نیاز به پیشرفت می باشد. برخی از این تعاریف عبارتند از: تمایل فرد به کسب هدف بر اساس مجموعه ای از استانداردها (دیکینز و فریل، ۲۰۰۲)، میل یا علاقه به موفقیت کلی یا موفقیت در یک زمینه فعالیت خاص (گیج و برلایر، ۱۹۸۴، به نقل از سیف، ۱۳۸۶).

میل و اشتیاق با تلاش و کوششی که فرد برای دستیابی به یک هدف یا تسلط بر اشیاء، امور، افراد و یا یک معیار متعالی از خود ابراز میدارد (ویلدر، ۱۹۸۹)، آرزو برای پیشی گرفتن بر یک رفتار ویژه که به صورت ملاک یا معیار درآمده باشد (کورمن، ۱۳۸۶)، تمایل درونی برای رسیدن به استاندارد بالا (اتکینسون، ۱۹۵۳، به نقل از سواری، ۱۳۷۷)، گرایشی برای پیشی گرفتن از دیگران و تلاش برای دستیابی به موفقیت و پیشرفت، با توجه به ملاکهای مشخص (رابینز، ۱۹۹۳)، به طور کلی انگیزه پیشرفت دربرگیرنده الگویی از برنامه ریزی، فعالیت ها و احساس هایی است که با تلاش برای دستیابی به نوعی برتری، مرتبط می باشد (نیکزاد مقدم، ۱۳۹۱).

منشاء انگیزه پیشرفت

پژوهشگران ده ها سال قبل درصدد برآمدند تا منشاء نیاز کودکان به پیشرفت را در شیوه فرزندپروری و فرصت های یادگیری اجتماعی پیدا کنند. آنها امیدوار بودند که بتوانند عوامل اجتماعی تعیین کننده شخصیت افراد دارای نیاز پیشرفت زیاد را در برابر افراد دارای نیاز پیشرفت کم توجیه کنند. نتیجه پژوهش ها در این زمینه نشان داد که نیاز به پیشرفت، پدیده های چند وجهی است که یک صفت واحد را شامل نمی شود، بلکه مجموعه ای از فرایندهای اجتماعی، شناختی و رشدی را در برمیگیرد (رفیعی، ۱۳۹۱).

تأثیرات اجتماعی شدن

بخشی از رشد تلاشهای پیشرفت قوی و انعطاف پذیر، به تأثیرات اجتماعی شدن مربوط می شود. کودکان در صورتی تلاش های پیشرفت نسبتاً نیرومندی را رشد می دهند که والدینشان موارد زیر را تأمین کنند: آموزش استقلال و خودمختاری، آرمانهای عملکرد علمی، معیارهای واقع بینانه برتری، خودپنداره توانایی عالی؛ مثل این کار برای تو آسان است، ارزش مثبت برای تکلیف پیشرفتی، معیارهای روشن برای برتری، محیط خانوادگی که سرشار از توانش تحریک است؛ مانند کتاب هایی برای خواندن، تجربه گسترده مثل مسافرت و دسترسی به کتاب های کودکانی که سرشار از داستان های تخیلی پیشرفتی هستند (کورمن، ۱۳۸۶). در نهایت این اقدام برای مشخص کردن شیوه های اجتماعی کردن کودکان دارای نیاز به پیشرفت زیاد، فقط تا اندازه های موفقیت آمیز بود؛ عمدتاً به خاطر اینکه یافته های طولی نشان دادند که تلاش های پیشرفت از کودکی تا بزرگسالی به مقدار زیاد تغییر می کنند و در بزرگسالی از یک دهه به دهه بعدی اصلاً قابل پیش بینی نیستند. با این حال

تحقیقاتی وجود دارند که نشان می دهند که عوامل اجتماعی می تواند عامل تعیین کننده‌ای در ایجاد انگیزه پیشرفت باشد (کورمن، ۱۳۸۶).

تأثیرات شناختی

عده‌ای از پژوهشگران این نظر را که افراد شخصیت پیشرفت گرا را درونی می سازند، رها کرده اند. این پژوهشگران در عوض توجه خود را به اساس شناختی نحوه‌ی تفکر پیشرفت گرا معطوف کرده اند (کورمن، ۱۳۸۶). برخی از شیوه‌های تفکر پیشرفته تر از شیوه‌های تفکر دیگر هستند، یعنی ادراک توانایی زیاد، پذیرفتن گرایش تسلط و برتری، انتظارات زیاد برای موفقیت، ارزش قائل شدن زیاد برای پیشرفت و سبک انتسابی خوشبینانه. ادراک توانایی زیاد، هم استقامت در تکلیف و هم عملکرد شایسته را تسهیل میکند. گرایش به تسلط در مقایسه با گرایش به درماندگی، باعث می شود که افراد تکالیف نسبتا دشوار را انتخاب کنند و با افزایش تلاش، و نه کاهش آن به مشکل پاسخ دهند. انتظار موفقیت، رفتارهای گرایشی مثل جستجو کردن چالش‌های بهینه و انجام دادن خوب کارها را به بار می آورد. ارزش قائل شدن برای پیشرفت در حیطه خاص، استقامت در آن حیطه را بیشتر میکند. سبک انتسابی خوشبینانه (نسبت دادن موفقیت به خود ولی نسبت دادن شکست به علت بیرونی)، هیجان‌های مثبت مثل امید و غرور را بعد از موفقیت پرورش می دهد و از هیجان‌های منفی مثل ترس هنگام تنگنا و مخمصه جلوگیری می کند (واینر، ۱۹۸۵). بنابراین، هنگامی که شرایط در خانه، محیط آموزشی، سالن ورزشی، محیط کار و محیط درمانی موجب عقاید توانایی زیاد، گرایش تسلط، انتظار موفقیت، ارزش قائل شدن برای پیشرفت و سبک انتسابی خوشبینانه می شود، این شرایط مبانی شناختی لازم برای پرورش دادن نحوه تفکر و رفتار کردن پیشرفتی را تأمین میکند (کورمن، ۱۳۸۶).

تأثیرات رشدی

شناسایی تأثیرات شناختی بر رفتار پیشرفتی باعث شده که پژوهشگران در این باره تحقیق کنند که چگونه این شیوه‌های تفکر در طول زندگی فرد پرورش می یابد. عقاید، ارزش‌ها و هیجان‌های مربوط به پیشرفت، همگی الگوهای رشدی قابل پیشبینی را نشان میدهند. بچه‌ها توانایی‌های واقعیشان را ناشیانه ارزیابی می کنند آنها در مورد توانایی‌شان عقاید غیر واقع بینانه‌ای دارند. بعد از شکست عقاید توانایی‌شان را خوار نمی شمردند و از عملکرد ضعیف‌شان در مقایسه با همسالان چشم پوشی می کنند، اما در اواسط کودکی، به طور فزاینده‌ای عملکرد خود را با همسالان‌شان مقایسه می کنند و در اواخر کودکی، برای ایجاد توانایی نسبتا واقع بینانه، به اطلاعات وسیعی، از جمله به خودارزیابی‌ها، ارزیابی‌های همسالان، ارزیابی معلمان و ارزیابی‌های والدین وابسته می شوند. در رابطه با ارزش‌ها، بچه‌ها برای تأیید دیگران، ارزش بسیار زیادی قایل می شوند، ولی در مورد پیشرفت به تنهایی اهمیت چندانی قایل نیستند (کورمن، ۱۳۸۶).

انگیزه پیشرفت تحصیلی

مطالعات متعدد در حوزه روانشناسی تربیتی و یادگیری نشان می دهد که انگیزش با یادگیری آموزشی آموزشی مرتبط دارد. امروزه عوامل انگیزشی به عنوان یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده عملکرد تحصیلی شناخته شده اند. بروس و همکاران (۲۰۰۷)، نشان دادند که مهارت‌های انگیزش برای یادگیری، یکی از اصلی ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر یادگیری موفق بوده و در صورت توجه آموزشدهندگان به این مؤلفه، محیط‌های یادگیری برای یادگیرندگان جذاب تر و با نشاط تر

خواهد بود. (بلوم ، ۱۹۵۲ ، به نقل از گانیه، ۲۰۰۱)، از نخستین نظریه پردازانی است، که به نقش انگیزه پیشرفت در یادگیری آموزشگاهی اشاره کرده است. انگیزش پیشرفت تحصیلی، به رفتارهایی اطلاق می شود که منجر به یادگیری و پیشرفت می گردد؛ به عبارت دیگر، انگیزش پیشرفت تحصیلی، بر اساس تعاریفی که از انگیزه پیشرفت وجود دارد، تمایل فرد فراگیر است به آن که تکلیفی را به خوبی انجام دهد و عملکردش را به طور خودجوش ارزیابی کند. غالب رفتارهایی که انگیزش پیشرفت تحصیلی را نشان می دهند، عبارتند از پافشاری بر انجام تکلیف دشوار، سختکوشی یا کوشش در جهت یادگیری در حد تسلط و انتخاب تکالیفی که به تلاش نیاز دارد. بنابراین، انگیزش پیشرفت تحصیلی، یک حالت روانشناختی است و هنگامی حاصل می شود که انسان خود را دارای کفایت لازم و خود مختاری ادراک بداند (یوسفی، ۱۳۷۹).

به دلیل تأثیر پیشرفت تحصیلی در موفقیت دانش آموزان در دهه های اخیر، روانشناسان درصدد بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در انگیزش پیشرفت تحصیلی بوده اند. یافتن راه های پژوهش آنان نشان داد که متغیرهای شخصیتی، خانوادگی و آموزشگاهی با این سازه مرتبط می باشند (عابدی و همکاران، ۱۳۸۴).

در ارتباط با انگیزه پیشرفت در کلاس درس، ولز (۱۹۶۲)، مینویسد: اگر قرار است در یک کلاس درس، انگیزه برای پیشرفت رشد کند، در آن کلاس باید اصول زیر حاکم باشد. تمام دانش آموزان از قوانین کلاسی به طور واضحی باخبرند، زیرا در صورت بندی و اصلاحات احتمالی آن شرکت فعال دارند.

آموزش در کلاس به نوعی است که فرصت برای پیشرفت همه وجود دارد. در این کلاس همواره از معلم می شنویم " اصلا بد نیست، ولی تو میتوانی بهتر باشی."

الگوهای پیشرفت گرا زیاد ارائه می شوند، مانند خواندن و بحث درباره داستان هایی با زمینه پیشرفت. به یادگیرنده اجازه داده می شود تا برای خودش اهدافی را تعیین و بعد میزان پیشرفت خود را اندازه گیری کند. به یادگیرندگان بر اساس روحیاتشان، بازخوردهایی داده می شود، مثلاً به افراد شکست گرا بیشتر بازخوردهای حمایتی داده میشود، در حالی که دانش آموزان پیشرفت گرا را می توان با بازخوردهای تأخیری خوشحال کرد. مسئولیت پذیری در این نوع کلاسها بسیار به چشم می خورد. اصولاً قراردادهای یادگیری، بازیهای مختلف و بسته های آموزشی که با همکاری معلم و یادگیرنده ساخته شده اند، از ویژگی های محیط های یادگیری است که انگیزه پیشرفت در آنها بالاست.

نظریات انگیزه پیشرفت

انگیزه پیشرفت نیز مانند هر سازه دیگری در علم روانشناسی از دیدگاه مکاتب گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. مهمترین این نظریات عبارتند از:

نظریه مورای

مورای، اولین کسی بود که مفهوم نیازها را برای توجیه انگیزش و جهت رفتار به کار برد، به اعتقاد مورای انگیزه پیشرفت به مفهوم انگیزه غلبه بر موانع و مبارزه با آنچه که به سختی شهرت دارد میب اشد. در تعریف نیازهای درونی، نیاز به پیشرفت را در ارتباط با انجام دادن کارهای دشوار، مهارت یافتن، دستکاری کردن یا سازمان دادن موضوعات به گونه مستقل و سریع، چیره شدن بر موانع، به دست آوردن معیارهای بالا، بهبود بخشیدن به خود و برتری جستن و رقابت با دیگران تعریف میکند (رفیعی، ۱۳۹۱).

نظریه مک کلند

مک کلند به چگونگی پیدایش انگیزه پیشرفت و پیامدهای اجتماعی آن علاقه داشت و کوشش وی بر آن بود که در درجه اول، انگیزه هایی را که باعث می شود فردی نسبت به فرد دیگر تمایل بیشتری برای کارکردن داشته باشد شناسایی نماید، آنگاه مشخص کند که آیا میتوان چنین انگیزه های را در افرادی که رغبتی به کار کردن ندارند به وجود آورد یا نه. وی پس از بررسی ها و مطالعات نظری فراوان در این زمینه، دو اصل را برای تعریف این نیاز تبیین نمود.

- افراد از لحاظ درجه ای که پیشرفت را تجرب های رضایت بخش تلقی کنند با هم تفاوت دارند.
- افرادی که نیاز شدیدی به پیشرفت دارند، موقعیت های زیر را ترجیح داده و در آن به سختی کار میکنند. الف)

موقعیتهای مخاطره آمیز در حد متوسط: زیرا در مواردی که مخاطره های وجود

ندارد و یا اندک است، تمایل به پیشرفت، حداقل خواهد بود و در مواردی نیز که به شدت مخاطره آمیز

است، احتمالاً پیشرفتی حاصل نخواهد شد. ب) موقعیت هایی که در آنها امکان آگاهی از نتایج وجود دارد. فردی که انگیزه زیادی برای پیشرفت دارد، مایل است بداند که آیا پیشرفت قابل دستیابی است یا نه. ج) موقعیتهایی که در آنها مسئولیت فردی فراهم می شود، شخصی که گرایش به پیشرفت دارد، می خواهد مطمئن شود که کسی جز او، برای پیشرفتش امتیاز نمی گیرد. د) افرادی که انگیزه پیشرفت زیادی دارند، غالباً به حرفه افراد کارآفرین به صورت مادام العمر جذب می شوند (کورمن، ۱۳۸۶).

نظریه اتکینسون

اتکینسون (۱۹۵۷)، دریافت که در بعضی از افراد، اجتناب از شکست موجب برانگیختگی بیشتر می شود. در حالی که در افراد دیگر جستجوی موفقیت موجب برانگیختگی می شود. به اعتقاد او افرادی که انگیزه مثبت بیشتری دارند (مانند کسب موفقیت در یک تکلیف) تکلیفی با میزان دشواری متوسط را ترجیح می دهند و در مقابل افرادی که انگیزه های منفی در آنها بیشتر است (مانند شکست در انجام یک تکلیف) غالباً تکالیف بسیار سخت یا بسیار آسان را انتخاب میکنند. مطالعات بعدی که در این زمینه صورت گرفت نشان داد، مسأله به این سادگی نیست و شکل تکلیف، به طور پیچیده تری بر تلاش فرد تأثیر دارد. این نتایج تا میزانی از پیشگویی های نظریه اتکینسون کاست. برای مثال همیلتون (۱۹۷۲)، نشان داد که هر دو گروه افراد، به طور کلی تکلیف سخت را ترجیح میدهند و بعدها نیز تحقیقاتی صورت گرفت که با نتیجه مطالعات اتکینسون در این زمینه هماهنگ نبود (زنزنت، ۲۰۰۰)، به دنبال انتشار نتایج این تحقیقات پژوهش های فراوان دیگری در این زمینه انجام شد و عوامل دیگری نیز مورد مطالعه قرار گرفت.

نظریه انگیزه پیشرفت دوگانه

فلد و همکاران (۱۹۷۲)، از مطالعات خود چنین نتیجه گیری نمودند که انگیزه پیشرفت ممکن است بر دو نوع درونی و بیرونی باشد.

الف) انگیزه پیشرفت درونی یا خود مختار: انگیزه درونی فرد برای ارضای تمایلات درونی با استفاده از معیارهای درونی و بدون اینکه فکر کند که دیگران در مورد او چگونه فکر می کنند، راجع به عملکرد خود می اندیشد و آن را با عملکردهای قبلی اش مقایسه می کند، این انگیزه غالباً در اوایل زندگی رشد میکند.

ب) انگیزه پیشرفت بیرونی یا اجتماعی: در این انگیزه فرد، برای اینکه تعیین نماید که کارش چگونه است، عملکرد خود را با عملکرد دیگران مقایسه مینماید. این انگیزه که غالباً تحت تأثیر مقایسه های اجتماعی رشد می کند و هدفش جلب توجه دیگران است، غالباً از حدود سال دوم مدرسه بروز می کند (گیج و برلایندر، ۱۳۷۴)

نظریه هرمنس

هرمنس (۱۹۷۰)، بر مبنای دانش نظری و تجربی موجود درباره نیاز به پیشرفت و با بررسی بیشتر پژوهشهای مربوط به آن، ده ویژگی بارز افراد دارای انگیزه پیشرفت بالا را، در مقایسه با افراد با انگیزه پیشرفت پایین، تعیین نمود. این ده ویژگی به شرح زیر است:

۱) بالا بودن سطح آرزو (۲) انگیزه قوی برای تحرک به سوی بالا (۳) مقاومت طولانی در مواجهه با تکالیف با سطح دشواری متوسط (۴) تمایل به اعمال تلاش مجدد در انجام تکلیف نیمه تمام (۵) ادراک پویایی از زمان، یعنی احساس اینکه امور سریع روی می دهند (۶) آینده نگری (۷) توجه به ملاک شایستگی و لیاقت در انتخاب دوست و همکار (۸) بازشناسی از طریق عملکرد خوب در کار (۹) انجام دادن کار به نحو احسن (۱۰) رفتار ریسک کردن پایین

هرمنس بر این اساس پرسشنامه سنجش نیاز به پیشرفت را، که یکی از رایج ترین پرسشنامه های مدادکاغذی هست را تهیه نمود (هومن و عسگری، ۱۳۷۹)، در این پژوهش نیز انگیزه پیشرفت بر اساس نظریه هرمنس و با استفاده از پرسشنامه هرمنس مورد بررسی قرار گرفته است.

نتیجه گیری

انگیزش فرایندی است که رفتار هدفگرا، از طریق آن راه اندازی و نگهداری می شود و انگیزه پیشرفت دربرگیرنده طراحی و تلاش برای برتری است، اما این نگرش نسبت به پیشرفت است که اهمیت دارد، نه موفقیت به خودی خود. انگیزه پیشرفت عبارت است از نیروی انجام دادن خوب کارها نسبت به معیارهای عالی. بنابراین انگیزش پیشرفت پایین، دال بر فقدان هدفمندی دانش آموز است و فقدان هدفمندی باعث افزایش اوقات فراغت دانش آموز می شود.

وقتی که انگیزش دانش آموزان پایین بیاد به طور حتمی نیز عملکرد تحصیلی و پیشرفت تحصیلی نیز کاهش خواهد یافت بنابراین این یکی از وظایف معلمان عزیز این است که قبل از هر کاری انگیزه لازم را در دانش آموزان به وجود آورند؛ زیرا اگر در به وجود آوردن این مهم موفق باشند، راه تدریس و یادگیری را در دانش آموزان هموار خواهند کرد.

منابع

- احمدی، تیمور؛ شفیع امیری، مجید؛ حسن نتاج، فهیمه (۱۳۸۷). بررسی مقایسه میزان سلامت روانی، انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی در دانشجویان شبانه و روزانه دانشگاه صنعتی بابل، *مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*، شماره ۱، ۷-۱۵.
- اکبری، بهمن (۱۳۸۶). روایی و اعتبار آزمون انگیزش پیشرفت هرمنس بر روی دانش آموزان دوره متوسطه استان گیلان، *مجله دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)*، شماره ۴، ۷۳-۹۶.
- رفیعی، عاطفه (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش مهارت های یادگیری بر انگیزش پیشرفت و عملکرد تحصیلی در دانش آموزان دختر پایه دوم متوسطه یزد، *پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی*، دانشگاه یزد.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۶). *روانشناسی پرورشی*. چاپ سیزدهم، تهران: آگاه
- صالحی، محمد؛ حاجیزاده، محمد؛ فلاح، علی؛ بهرامی، سیده حمیده (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه های آزاد اسلامی استان مازندران، *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر*، شماره ۴، ۷۳-۸۶.
- طاهری، عبدالمحمد؛ فیاضی، مهسا (۱۳۹۰). بررسی علل افت انگیزش تحصیلی از دیدگاه دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی با توجه به جنسیت و زمینه های خانوادگی آنها، *مجله فناوری آموزش*، شماره ۴، ۲۸۷-۲۹۸.
- عابدی، احمد؛ عریضی، حمیدرضا (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی های خانوادگی و شخصیتی آنان، *نشریه آموزه*، شماره ۱، ۹-۱.
- عباسزاده، محمد؛ علیزاده اقدم، محمدباقر؛ کوهی، کمال (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی-فردی مؤثر بر انگیزش تحصیلی در دانش آموزان مقطع متوسطه. *مجله مطالعات جامعه شناسی*، شماره ۲، ۴۳-۶۶.
- کورمن، آبراهام، ک (۱۳۸۶). *روانشناسی صنعتی و سازمانی*. مترجم حسین شکرکن، ویرایش اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات رشد.
- میکائیلی، نیلوفر؛ افروز، غلامعلی؛ قلیزاده، لیلا (۱۳۹۱). ارتباط خودپنداره و فرسودگی تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر. *مجله روانشناسی مدرسه*، شماره ۴، ۹۰-۱۰۳.
- نیکزاد مقدم، مریم (۱۳۹۱). اثربخشی درمان شناختی-رفتاری بر کاهش اعتیاد به مواد مخدر در دانشجویان و تأثیر آن بر افزایش پیشرفت آنان. *پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی*، دانشگاه یزد.
- یوسفی، زهرا (۱۳۸۶). مقایسه راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان موفق و ناموفق رشته های علوم پایه و علوم انسانی دانشگاه های تهران، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبایی.

- World Health Assembly. New political, economic, social and environmental realities. Draft twelfth general programme of work. Geneva: *World Health Organization*, ۲۰۱۳:۵.
- Barsam. Iran has ۷۳ million mobile phone users!: Barsam ICT News ۲۰۱۲ [updated ۲۰۱۲; cited]; Available from: <http://barsam.ir/archive/>.
- Bradley, C. & Holley, D. (۲۰۱۰). How students in higher education use their mobile phone for learning, Retrieved from <http://respository>, p: ۷۹۷.
- Crystal, D. (۲۰۰۸). Texting: The Gr&Ob&Oxford: *Oxford University Press*.
- Economides, A.A, Grousopoulou, A (۲۰۰۸). Use of mobile phones by male and female. *Computer & Education*, . *Cambridge University press*. ۹, ۲۳۵-۲۴۶.
- Fortunati, L. (۲۰۰۲). Italy stereotypes, true and false, in J. Katz & Akhus (eds), *Perpetual Contact, Mobile Communication, Private Talk, Public Performance*, PP, ۴۲-۶۲. *Cambridge University press*.
- Katz, J. E (۱۹۹۹). *Connections, Social and Cultural Studies of the Telephone in American Life*, Lonon: *Transaction Publishers*.
- Munezawa T, Kaneita Y, Osaki Y, Kanda H, Minowa M, Suzuki K, et al. The association between use of mobile phones after lights out and sleep disturbances among Japanese adolescents: A nationwide cross-sectional survey *Sleep* (۲۰۱۱); ۳۴(۸): ۱۰۱۳-۱۰۲۰.
- Olson, H. A (۲۰۰۰). *The New Way to Compete: How to Be a winner in your career and in your life*, *United state of America wellness institute*.

